

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

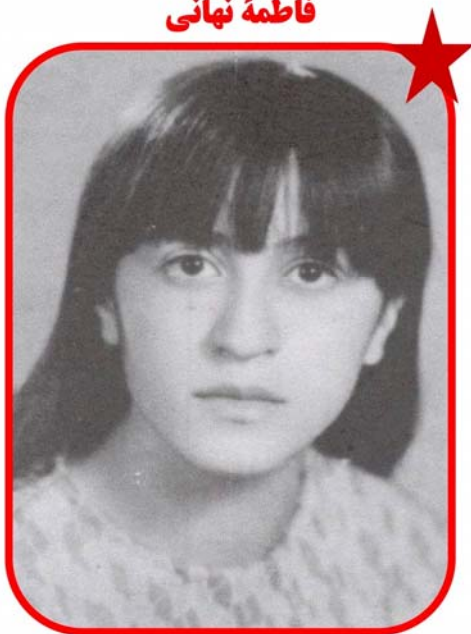
جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۴ اپریل ۲۰۲۳

در باره زندگی رفیق شهید

فاطمه نهانی



رفیق فاطمه (شمسی) نهانی، زنی آزاده از سلاله چریک‌های فدائی خلق ایران بود که در سال ۱۳۲۸ در تهران چشم به جهان گشوده بود.

زن رزمنده کمونیستی که دستانش را رنج و درد کارگران و فقر و فلاکت مردم ستم‌دیده برای در دست گرفتن سلاح به منظور تغییر وضع اسارت‌بار آنان، پرورده بود. زنی که همه وجودش را خشم و نفرت از ظلم و ستم انباشته بود.

رفیق شمسی پس از پایان تحصیلات متوسطه خود وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته تاریخ شد و این در شرایطی بود که با رستاخیز سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه در ایران، تاریخ این مرز و بوم ورق خورده بود. مبارزات چریک‌های فدائی خلق فضای سیاسی جامعه را دگرگون نموده و به خصوص حضور زنان دلیر و آگاه در این جریان به

افکار و اندیشه‌های پوسیده در رابطه با زنان و نقش آنها در اجتماع ضربه زده و در خدمت پاره کردن زنجیرهای اسارت زنان قرار گرفته بود.

مبارزات زنان کمونیستی چون رفقا مهرنوش ابراهیمی، پوران یدالهی، مرضیه احمدی اسکویی و شیرین معاضد (فضیلت کلام) و ... پیام روشنی به همه زنان آگاه بود که برای رسیدن به آزادی و در هم دریدن زنجیرهای اسارت بورژوازی وابسته باید سلاح برگرفته و به جنبش مسلحانه بپیوندند. به همین دلیل هم رفیق فاطمه (شمسی) ضمن شرکت در مبارزات دانشجویی و آشنائی با دانشجویان هوادار چریک‌های فدائی خلق، خیلی زود در جریان پیمودن راه آزادی کارگران و ستم‌دیدگان از قید ظلم و ستم به سازمان فدائی پیوست.

در آن زمان سازمان در تلاش جهت گسترش صفوف خود به مازندران بود. تلاشی که با شهادت رفیق کبیر علی اکبر جعفری یکی از رهبران خستگی‌ناپذیر سازمان در اردیبهشت- ثور- ۵۴ دچار وقفه شد و سپس بار دیگر با تلاش‌های رفیق بهمن روحی آهنگرانی روند جدیدی پیدا نمود. در سازماندهی جدید (حدود تابستان ۵۴) رفیق شمسی مسؤول یک

تیم کارگری در شاهی (قائم شهر) شد و همچنین با رفیق زهرا آقایی قلهکی در ساری و پایگاه سازمان در این شهر با نام مستعار "فران" نیز در ارتباط قرار داشت.

در دی ماه - ۱۳۵۴، ساواک موفق به دستگیری مسؤول شاخهٔ مازندران که رفیق بهمن روحی آهنگرانی بود، گشت. در ۱۷ دی - ۵۴، گشت‌های کمیتهٔ ضد خرابکاری که خائنی به نام احمد رضا کریمی آنها را همراهی می‌کرد در خیابان سی متری نارمک در تهران، رفیق بهمن روحی آهنگرانی را شناسائی و دستگیر کردند.

رفیق بهمن را به دلیل استفاده از سیانور به بیمارستان شهربانی برده و سپس به زیر شکنجه کشیدند که در نتیجهٔ همین شکنجه‌های وحشیانه در ۲۳ دی‌ماه - ۵۴ - رفیق بهمن روحی آهنگرانی در زیر شکنجه‌های مزدوران ساواک به شهادت رسید؛ یعنی رفیق بهمن پس از دستگیری و قرار گرفتن در چنگ دژخیمان رژیم شاه، تنها ۶ روز زنده ماند. متأسفانه با دستگیری رفیق بهمن، دفترچهٔ رمز و برخی نوشتجات وی به دست ساواک افتاد. در گزارش ساواک در این زمینه آمده است که "در مدارک مکشوفه از وی (منظور رفیق بهمن می‌باشد) قرار ملاقات او با دختری به نام فران در ساری مشخص شد."

به این ترتیب نیروهای امنیتی رژیم سرکوبگر شاه به محل علامت‌گذاری قرار یکی از رفقاء که کسی جز رفیق شمسی نبود پی بردند. آنها با کنترل منطقه که در مقابل سینمای سپهر ساری بود با مشاهدهٔ رفیق فاطمه (شمسی) در جهت دستگیری وی بر آمدند که رفیق متقابلاً با آنها درگیر و نارنجک خود را منفجر نمود. با این عمل، رفیق شمسی اوج از جان‌گذشتگی و اعتلای آگاهی خود به عنوان یک فدائی کمونیست و به ویژه به مثابهٔ یک زن انقلابی را در مقابل چشمان وحشت‌زدهٔ مزدوران رژیم و توده‌های رنجبر به نمایش گذارد.

به این ترتیب در ۲۱ دی‌ماه - ۱۳۵۴ حدود ساعت ۳ بعدازظهر، چریک‌های فدائی خلق، یار و رفیق همیشه زندهٔ خود فاطمه (شمسی) نهانی و طبقهٔ کارگر ما یکی از پاک‌باخته‌ترین رهروانش را برای همیشه از دست دادند.

یاد رفیق فاطمه نهانی گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از ماهنامهٔ کارگری، ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران

شمارهٔ ۱۱۰، پانزدهم اسفند - حوت - ۱۴۰۱